

# سنڌي از دورہ سلطنت محمد شاه و وزارت حاج ميرزا آقاسي



## دکتر عبدالحسين نوایی

مختلف علمی دنیا، موجب شد که ما، هم در میدانهای جنگ و هم در اتاقهای مذاکره، در برابر اروپائیان مجهز به علوم و فنون جدید، در مانده شدیم و بابت نتیجه، تاوان سنگینی پرداختیم؛ من جمله، از دست دادن قسطنطنیه در شمال، مثل: گرجستان، ارمنستان، ایروان، قفقاز و ... و در جنوب شرقی، ناحیه بلوچستان و سایر مسایلی از جمله آب هیرمند و ... (در هر حال، این عوامل، موجب شده است که در انظار عامه مردم، دوران سلطه قاجاریه، دوران هرج و مرج و بی نظمی و اغتشاش و ناامنی و ... معرفی بشود. چنان که گویی مردم آن روزگار، هیچ گونه ضابطه و ضابطه ای را نمی شناختند و جز فساد و مادرستی، کار دیگری از آنان بر نمی آمد. در حالی که اسناد، صورت دیگری را نیز عرضه می کند و نشان می دهد که حساب و احتساب در کارها، حتی تا آنجا وجود داشته که گاهی اوقات نسبت به زنان و فرزندان خود، بسختی و اسماک و احیاناً با خشونت، در جهت مصالح و منافع عمومی مقابله می کردند و از مواخذه خویشان و نزدیکان خود نیز، در چنین مواردی، خودداری نمی کردند.

سیاست بین که می کردند از این پیش

نه با بیگانه، با دردانه خویش!

سنڌي که ذیلاً به نظر خوانندگان محترم می رسد، یکی از این گونه

دوره قاجاریه، با همه اهمیت آن، از لحاظ مسائل مختلف، آن چنان که شایسته انصاف و تحقیق است، مورد توجه قرار نگرفته است. حتی درباره آن، شدیداً نامهربانی و بی مهری روی داده، و این مطلب، بیشتر از آن لحاظ است که در زمان سلسله پهلوی و برای مقاصد سیاسی، کوشیده اند این سلسله را لکه دار و بدنام بکنند و تبلیغات شدید نامساعدی انجام گرفت؛ و ظاهراً افراد سلسله پهلوی، مشروعیت خود را در سرکوب یاد و خاطره قاجاریه می شمردند. چنین بود که از هیچ گونه اسناد و تهمت و افترايي نسبت به رجال قاجاری و خاندان سلطنتی قاجار، فروگذار نکردند. البته این مطلب نه این معناست که افراد این سلسله، از قدامت بر خوردار بوده اند، و هیچ گونه عیبی و خطایی در این روزگار صورت نگرفته است. زیرا افراد این خانواده و این سلسله نیز، مانند افراد خاندان و سلسله های دیگر، انسانهایی جایز الخطا بوده اند که در طی حیات سیاسی و خصوصی خود، مرتکب خطاها و لغزشهای بسیار شده اند. امری که بیشتر موجب بی مهری شدید مردم به این سلسله شده است، از دست رفتن قسطنطنیه و زرخیزی از کشور ماست. اما باید به این نکته توجه کرد که مدت چند قرن، ما تصور می کردیم که توجه به مسائل نظری، مستلزم رها کردن دانش ریاضی و مسائل فنی و پژوهشهای علمی جدید است! یعنی در زمینه هایی که ما، اساساً به آنها هیچ گونه توجهی نداشتیم! همین بی خبری از اوضاع علمی و بی اطلاعی از مسایلی مورد نظر جوامع

استاد و موضوع آن نیز، چنین است که ملکه جهان خانم، ملقب به مهدعلیاه، همسر محمدشاه و مادر ناصرالدین شاه، خود از حاج میرزا آقاسی، که همه کاره کشور بوده است، کتباً تقاضاهایی کرده و حاجی هم، یا به این دلیل که نمی دانسته در این مورد، نسبت به زن و

فرزند شاه قاچار، چه تصمیمی بایستی اتخاذ می کرد، یا صرفاً به جهت حفظ احترام ولینصت خویش، خلاصه آن درخواستها را به نظر محمدشاه رسانیده و محمدشاه، نظر دقیق و قاطع خود را، در برابر هر یک از آن مستدعیات، نوشته است:

اینک متن سند: (۱)

### مطالب نواب مستطاب ولیعهد دولت بی زوال به جناب حاجی، به نظر همایون برسد

۱. در باب سلیمان خان (۲) و رحیمی خان (۳)، که مقرری آنها کم است و کفاف خرج ایشان را نمی کند. زیاد شود.

اجواب: همان که دارند، هنوز زیاد است. بمشان است. از عمرهای (۴) ما، از شاهزاده ها که بیشتر نخواهند بود.

۲. والده سرکار (۵) به جهت نرسیدن مقرر مراجع سنوآت ماضیه و مخارج ارباب نافع و تکلف، که به مردم می نمایند. قریب ده هزار تومان مقروض شده، فراری در قرض ایشان داده شود.

اجواب: اگر خرج بیهوده میکنند که ماضیان نیستیم. آنچه مواجب دارند، آن، اگر نوبیده، واجب است که برسد و برسانیم.

۳. علاوه بر مقرری والده سرکار، به جهت مخارج اتفاقیه، چیزی منظور و مرحمت شود، از بابت استعواپی دهات. آردی این بند، خط توقین (۶) کشیده شده است.

۴. در باب تیون والده سرکار، دیدهر (۷) خوب نیست. مشکین مرحمت شود. اجواب: مشکین، دور است و مرحد و جای ابلات. البته دیدهر، بهتر است. آن عیبه را ندارد.

۵. مواجب عمله سرکار، درست نمی رسد. طوری قرار بفرمائید برسد. اجواب: بهتر از تیون، دیگر چه قرار است در دنیا؟! همه مواجب را که تیون داده ایم.

۶. مواجب محسودیک صندوقدار، کم است، زیاد شود. اجواب: برای محسود؟ به خدا قسم به خرجانی هم قابلیت ندارد! خط توقین بر روی آن کشیده شده.

### مطالب والده نواب ولیعهد، که به جناب حاجی نوشته

۷. قرار آمدن من و نواب ولیعهد را به دارالخلافه، بگذارید (۸) بعد از مراجعت موکب قبله عالم در سال آینده از سفر. اجواب: بسیار خوب.

۸. نوکرهای ولیعهد، که فرمان و منصب دارند، خانه خودشان خوابیده، به درخانه نمی آیند، حکم شود بیایند، مشغول خدمت شوند. اجواب: خلی خوب، والا مواجب نگیرند. همه مواجیشان قطع شود.

۹. فراری در باب گذران خود نواب ولیعهد بدهید. دیگر من، نمی توانم متحمل اخراجات او شوم.





**اجواب ۱:** تفصیل آنچه برای والدہ ولعهد و خودش مقرر است، از بیول و غیر بیول، درست ہی کم و کاست بنویسید، جواب بدعم.

۱۰. در باب سلیمان خان و عیسی خان که مراجیشان زیاد شود.

**اجواب ۱:** استغفر... (خط ترفین کشیاء شده.)

[در حاشیہ و داشتن غط ترفین:] کاغذ نواب قهرمان میرزا، در باب سلیمان خان و زیادی مراجب. کاغذ خود سلیمان خان، درین باب... (تاتمام)

[اسناد شماره ۱۳۷۷/۱، ۲۵۹]

سازمان اسناد ملی ایران

### مهد علیا همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه قاجار

#### پی نوشت ها:

۱. در سند، سطر اول، به معنای درخواست ولعهد یا مادر نوست و سطر بعد از آن، پاسخ شاه است.

۲. سلیمان خان معروف به خان خانان، برادر مهدعلیاست، یعنی برادر زن محمدشاه.

۳. عیسی خان اعتمادالدوله، برادر مهدعلیا بود. عباس میرزا ملوک آرا، که فرزند همسر محمدشاه از بطن خدیجه خانم کرد و از اهالی چهریق بود، در خاطرات خود، در صفحه اول یادداشتهاش، به ازبکستانی بین مهدعلیا و این برادر اشاره کرده که قلم از داکتران شرم دادند و به نظر می آید که سستی، ناشی از کینه و نفرت او نسبت به زن پدرش باشد. مهدعلیا نیز، متغایلاً درباره این پسر شوهر، از هیچ گونه سختی و خشونت خودداری نکرده و حتی ثابتی مرگ، یا لاقول کوری او، ایستاده بود.

۴. منظور از عموها، پسران فتحعلی شاه است.

۵. مهدعلیا.

۶. قسمتهایی که مورد مرافقت شاه شده، خطی به صورت عدد نه روی آنها کشیده است. این خط را گاه به همین صورت، خط نه یا نه می گفتند و خط ترفین نام داشته است. بهار، در این مورد، ابیاتی دارد که از آن چنین:

دو بهار وزین سخنان، امروز  
بر سخنوران، خط ترفین زن

لاظہار آنم ناحیعی بوده است که امروزه وجود ندارد و بایه واسطه آن که این کلمه به طور واضح نوشته نشده بود، خواندن آن، براحتی میسر نبود.

۸. براساس ضابطه سنت قاجاری- ناصرالدین میرزا به عنوان نماینده شاه قاجار، در تریز حکمران بود و مادرش نیز، برای سرپرستی تنها پسر خود، او را همراهی می کرد. اسناد دیگری، نشان می دهد که چون ناصرالدین میرزا کودک بود، مهدعلیاء از طرف او به حل و فصل امور می پرداخت. صورت کاملی از این اسناد، توسط نگارنده این سطور بازخوانی و تحریر شده و به همراه تعلیقات و توضیحات، آماده چاپ است که امید می رود هر چه روزی به پیشگاه اهل تحقیق تقدیم شود. در این اسناد، از مهدعلیاء دو سجع مهر، با این عبارات آمده است: **امین مادر ناصرالدین شهم** و **ولیمهد شاه امین مادرم**.

کتاب فی الطب و غیره از نردان خانی

دانه را که در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	است و آنچه از آب
نوع و کثرت و نام چشم ترس	زود است
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	بسیار است بماند و در کوزه
آنکه در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه

کتاب قریه دانه را که در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه
نوع و کثرت و نام چشم ترس	زود است
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	بسیار است بماند و در کوزه
آنکه در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه

کتاب قریه دانه را که در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه
نوع و کثرت و نام چشم ترس	زود است
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	بسیار است بماند و در کوزه
آنکه در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه

کتاب دانه را که در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه
نوع و کثرت و نام چشم ترس	زود است
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	بسیار است بماند و در کوزه
آنکه در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه

کتاب دانه را که در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه
نوع و کثرت و نام چشم ترس	زود است
در هر یک است و غیره و آنچه از آب	بسیار است بماند و در کوزه
آنکه در کوزه رسیده بود	بسیار است بماند و در کوزه

کتاب فی الطب و غیره از نردان خانی

بسیار است بماند و در کوزه

زود است

بسیار است بماند و در کوزه

بسیار است بماند و در کوزه

